

کمیته ی همبستگی کارگران ایران و ترکیه

www.hambastegiye-kargaran.blogspot.com

<http://www.8mars.com/index.php>

بیانیه ی مشترک به مناسبت فرا رسیدن ۸ مارس روز جهانی زن

کمیته ی همبستگی کارگران ایران و ترکیه

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) - در ترکیه

در هشت مارس، روز جهانی زنان، متحد شویم و راه رهائی واقعی را نشان دهیم!

امسال هشت مارس، روز جهانی زن، صد ساله می شود. این روز نماینده ی مبارزه علیه ستم بر زن است. اما یادآور آن نیز هست که جنبش زنان برای ریشه کن کردن ستم بر زن، در مورد مبارزات رهائی بخش همه ی اقشار و طبقات مردم در همه ی نقاط جهان حرف دارد و باید داشته باشد. زنان ستم دیده ترین ستمدیدگان هستند. بنابراین می توانند پرچمدار رهائی بشریت از نظام ستم و استثمار حاکم بر کشورهایمان و بر جهان باشند.

پس بیایید با درود فرستادن به مردم تونس و مصر که در ماه گذشته نظم ارتجاعی حاکم بر خاورمیانه را به لرزه درآورده اند و مردم خاورمیانه و جهان را به وجد آوردند، درود بفرستیم. بخصوص به زنان این کشورها که می توانند با مبارزه خود برای رهائی زنان خاورمیانه امیدهای بزرگی بیافرینند.

ما زنان ایران با یکی از خونخوارترین و زن ستیزترین رژیم های روی کره زمین روبرو هستیم. جمهوری اسلامی ایران یک حکومت تئوکراتیک وابسته به نظام سرمایه داری جهانی است. ما ۳۲ سال سرکوب آن را تجربه کردیم و ۳۲ سال علیه آن مقاومت کردیم. در نتیجه، حرف ها و درس هائی داریم برای جنبش رهائی بخش زنان در خاورمیانه و جهان.

۳۲ سال از هشت مارس ۱۹۷۹ می گذرد. در این روز زنان ایران جنبش مقاومت خود را علیه رژیم تئوکراتیک جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. در ۷ مارس ۱۹۷۹ خمینی فرمان حجاب اجباری را داد. روز بعد، در اعتراض به این فرمان ده ها هزار زن به خیابان های تهران ریختند و یک خیزش ۵ روزه علیه جمهوری اسلامی شروع شد. زنان شعار می دادند: ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم! خمینی در مقابل این شورش عقب نشینی کرد و فرمان خود را پس گرفت. اما عقب نشینی برای آن بود که رژیم خود را تثبیت کند و حمله ی همه جانبه علیه حقوق زنان، علیه آزادی بیان، علیه آزادی دینی و بی دینی، علیه کارگران و دهقانان، علیه ملل ستمدیده ی ایران را آغاز کند.

جنبش ما اینگونه متولد شد.

ستم بر زن محور تئوکراسی اسلامی در ایران است. قانون اساسی جمهوری اسلامی بر پایه ی شریعت اسلام است. دولت ضامن و پشتوانه ی قدرت کامل مرد بر زن است. زن بدون اجازه پدر یا شوهر حق

کار، سفر و تحصیل و حتا تعیین خانه و محل زندگی خود را ندارد. حجاب اجباری سمبل این روابط اجتماعی ارتجاعی و بی حقوقی مطلق زن است. هر ساله هزاران نفر توسط پلیس مخصوص حجاب زنان دستگیر می شوند. هر ساله عده ای زن را به دلیل "بی وفائی" نسبت به مردی که ارباب (شوهر) شرعی اوست سنگسار یا حلق آویز می کنند. در هر دانشگاه اداره امنیت به نام «حراست» مستقر است تا رفتار زنان را کنترل کند.

در ۳۲ سال گذشته مبارزه ی ما ادامه یافت: در خیابان ها، در مدارس و دانشگاه ها، در کارخانه ها و کارگاه های تولیدی، در زندان ها و زیر شکنجه و در خانواده علیه قدرت تحمیلی مردانه و زنجیرهای سنت. مقاومت در همه جاست. اما شما در پوشش های خبری رسانه های جهان در مورد ایران، ما را نمی بینید! حتا بعد از خیزش دلاورانه مردم در سال ۲۰۰۹ که یک سال بطور کشید و در صف اول آن زنان شجاع ایران بودند، بازهم مدیای غرب وقتی از ایران حرف می زند، موضوع مرکزی آن ها غنی سازی اورانیوم و احتمال «هسته ای» شدن ایران است. این سیاستی ارتجاعی است که بر این رسانه ها حاکم است. نتیجه ی آن این است که مثلا، قهرمان اکثر مردم ترکیه احمدی نژاد مرتجع و خامنه ای مرتجع تر از اوست. زیرا مردم ساده انگارانه خیال می کنند اینها «ضد امپریالیست» اند. خیر اینها ضد زن و ضد کارگر و ضد مردم اند. ضدیت اینها با امپریالیست ها ماهیتی ارتجاعی دارد.

نیروهای بنیادگرای اسلامی ادعا می کنند که آلترناتیوی در مقابل نظام سرمایه داری امپریالیستی جهانی هستند. اما تجربه ی ایران خوب نشان داد که نیروهای بنیادگرای اسلامی در اصول نظام سرمایه داری امپریالیستی سهیم هستند: برای آن ها مالکیت خصوصی مقدس است؛ خانواده ی پدرسالار مقدس است؛ بازار، مقدس است؛ و حاکمیت اقلیتی مفت خوار بر اکثریت مردم کارکن مقدس است. جامعه ی ایده آل بنیادگرایان اسلامی بر تبعیت کامل زن از مرد استوار است. هم نیروهای بنیادگرای مذهبی و هم امپریالیست ها، نیروهای ارتجاعی اند. چیزی به نام "ستم گران خوب" و "ستم گران بد" وجود ندارد. این درس عمیقی است که مردم جهان می توانند از تجربه خونین زنان ایران و افغانستان بیاموزند. ما با یک نظام روبرو هستیم که مرتجعینی با لباس های مختلف آن را اداره می کنند. ساده نگری را باید کنار گذاشت و مرتجعین جهان را در هر لباسی که هستند و با هر ادعائی که می کنند باید شناخت. به قول لنین، هر گاه توده ها نیاموزند که در پشت هر پرچم و هر ادعائی منافع طبقه معینی را ببینند، تا ابد برده خواهند ماند.

جمهوری اسلامی ایران، ارتجاعی ترین دولت ستمگری است که زنان ایران تجربه کرده اند. اما طبقات حاکمه ی امپریالیستی چه در آمریکا و چه در اروپا هم بخشی از نظام مردسالاری هستند. امپریالیسم آمریکا به نام "جنگ علیه ترور" و "آزاد کردن زنان" به افغانستان و عراق حمله کرد. اما کارش فقط کشتار مردم این کشورها و تقویت نیروهای ارتجاعی و سران عشایر و پدرسالاری در شکل شریعت اسلامی آن بوده است. مثلا، قبل از اشغال عراق توسط آمریکا، زنان دارای مقامی برابرتر با مردان بودند. زنان، بدون حجاب می توانستند آزادانه در گوشه و کنار شهر حرکت کنند. اما اکنون تا می توانند خود را در خانه حبس می کنند یا وقتی بیرون می آیند باید سر تا پای خود را با کیسه هائی سیاه رنگ ببوشانند. در اغلب کشورهای خلیج در خاورمیانه که توسط امپریالیسم آمریکا و شیخ های اسلامی شان اداره می شوند زنان حتا از حق رانندگی محرومند. شما هر روز در تلویزیون سی ان ان، تصاویری از جزایر سحرآمیز دوبی که در واقع نه یک کشور بلکه یک کازینو و معاملات ملکی بزرگ است را می بینید. اما سی ان ان هرگز نمی گوید که در پشت این تصاویر جادویی، زنان جوان ایرانی، عراقی، فیلی پینی، افغانستانی در بازار فحشای خلیج مورد معامله قرار می گیرند. حمله آمریکا به عراق و اشغال آن، به این بازار برده فروشی در سراسر خاورمیانه رونق بخشیده است.

سرمایه داری، تجارت تن زن را نیز به عنوان یکی دیگر از کالاهای داد و ستد به رسمیت شناخته است. مارکس گفته بود که سرمایه داری به فحشا عمومیت می بخشد. در واقع ما امروز شاهد این امر هستیم. در ایران و افغانستان که تحت حاکمیت جمهوری های اسلامی هستند، زنان به خاطر هم خوابگی با مردی خارج از قرارداد های شریعت، سنگسار می شوند اما فحشا، عملاً قابل دسترس ترین شغلی است که در مقابل زنان است.

شرایط کلی زنان در سراسر جهان را می توان بردگی مدرن خواند.

تمام این فجایع نشانه های عمیقی از یک مسئله است: نظامی که بر جهان حاکم است گنبدیده است! ستمدیدی زنان کاملاً مربوط است به نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عقیدتی که بر جوامع ما و در سطح جهان حاکم است. ستم بر زن در هر سلول نظام های اجتماعی ما حک شده است.

سوال مهم و سرنوشت ساز این است: چرا باید این را تحمل کنیم؟

و این سوال فقط یک جواب دارد: نباید آن را تحمل کنیم. همه ی این فجایع به ما نهیب می زند که باید نظام های موجود را سرنگون کنیم و نظام اجتماعی دیگری را بسازیم که برده گی نیمی از بشریت به دست نیمه دیگر از ستون های آن نباشد؛ استثمار اکثریت مردم جامعه و اکثریت مردم جهان بدست اقلیتی که سیاست و اقتصاد و فرهنگ را کنترل می کنند، زیربنای آن نباشد.

اما خیال باطل است اگر فکر کنیم که این کار خود به خودی و راحت انجام خواهد شد. خیر! ستمدیدگان، چه زنان و چه اقشار دیگر مردم باید آگاهی انقلابی و تشکیلات انقلابی داشته باشند.

ما زنان انقلابی، در فراز و فرودهای مبارزه علیه ستم، هرچه بهتر به ماهیت نظام های طبقاتی که این ستم را تولید و تقویت می کنند پی برده ایم. یکسان افق ها و برنامه های اجتماعی اسلامی و سکولار و دموکراسی غربی را عمیقاً فهمیده ایم. فهمیده ایم که باید بطور سازمان یافته مبارزه کنیم. درک کرده ایم که برای نبردمان باید یک افق روشن و سازش ناپذیر داشته باشیم. زیرا در غیر اینصورت، انرژی مبارزاتی ما در بیراهه هائی مانند تجدید سازماندهی ستم بر زن در اشکالی دیگر و دست نخورده گذاشتن کلیت نظام، به هرز خواهد رفت. ما دریافته ایم ستم مشترکی که به زنان می شود، زنان جهان را تبدیل به یک ارتش عظیم و قدرتمند کرده است که چیزی برای از دست دادن ندارند و جهانی برای فتح دارند. ستم بر زن امری جهانی است و مبارزه برای ریشه کن کردن آن می تواند و باید دارای خصلتی انترناسیونالیستی باشد.

جاده ی نظام های طبقاتی (چه در پوشش اسلامی یا نیمه اسلامی نیمه غربی یا دموکراسی غربی)، با برده گی زنان سنگفرش شده است. پس بیائید متحد شویم و تصمیم بگیریم که در مقابل این فجایع قد علم کنیم و جنبش های انقلابی زنان به راه اندازیم و بانگ رسای انقلاب در این عصری باشیم که با وفور حیرت انگیز ولی بیرحمی، تبعیض، بی عدالتی و نابودی افسارگسیخته مشخص می شود. بگذار تا زنجیرهایمان را بشکنیم و رها کننده ی بشریت باشیم.

کمیته ی همبستگی کارگران ایران و ترکیه

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) - در ترکیه

8 Mart, dünya kadınlar günü'nde birleşip, gerçek kurtuluşu dünyaya gösterelim

Dünya Kadınlar Günü, bu yıl yüzüncü yılına giriyor. Dünya Kadınlar Günü, kadına yönelik baskılara karşı verilen savaşı temsil ediyor. Ancak başka bir gerçeğin de altını çiziyor dünyaya; kadın hareketi, dünyanın her noktasındaki kurtuluş mücadeleleri için de söyleyecek söze sahiptir ve olmalıdır da. kadınlar ezilenlerin en ezilenidirler. Onun için ülkemiz ve dünyada baskı ve ayrımcılığa karşı yürütülen mücadelelerin bayraktarı olmaya adaydırlar.

Buradan Mısır halkına sevgimizi sunuyoruz. Onlar ki Ortadoğu'nun gerici düzenine meydana okuyarak tüm dünya halkını sevindiren umutlandırdılar. Özellikle Mısır kadınlarına sevgimizi sunalım. Onlar, ortadoğu kadınlarının mücadelelerine yeni ufuklar açtılar.

İranlı kadınlar olarak bizler, yeryüzündeki en kan emici ve en kadın düşmanı rejimle karşı karşıyayız. İran hükümeti dünya kapitalizmine bağlı teokratik bir hükümettir. Bizlar tam 32 yıl bu hükümetin baskısını hayatımızın tüm alanlarında hissettik ve 32 yıldır da hiç durmadan bu baskıya karşı direndik. 32 yılın tecrübesini şimdi tüm dünya kadınlarına aktarmak istiyoruz.

1979'un 8 Mart'ından 32 yıl geçiyor. İran kadınlarının İran İslam Cumhuriyeti'nin teokratik yapısına karşı savaş başlattığı gündür 8 mart 1979. Humeyni 32 önce bugün zorunlu örtünme fermanını yayınladı. ertesi gün onbinlerce kadın "HAYIR" diyerek sokaklara çıktı ve 5 günlük bir ayaklanmayı başlattı. O gün direnişçi kadınların sloganları hala da unutulmadı; "Gereye dönmek için devrim yapmadık biz". Bu direnişin karşısında Humeyni geri adım atarak fermanı geri çekti. Ancak bu geri çekilme planlı bir geri çekilişti. Rejim kendini tesbit ederek tüm alanlarda geniş bir saldırıyı başlattı. Kadınlara karşı, konuşma ve din özgürlüğüne karşı, çiftçiler, işçiler ve tüm ezilen halklara karşı topyekün bir saldırı başlatıldı.

Bizim hareket böyle doğdu...

Kadına yönelik baskı, İran teokratik sisteminin ana eksenini oluşturuyor. İslam Cumhuriyeti'nin anayasası şeriat hükümlerine göre düzenlenmiştir. Erkeğin kadına kırışı tartışmasız egemenliği devlet güvencesine alınmıştır. Baba ve ya koca izni olmadan bir kadının hiç bir özgürlüğü yoktur. çalışamaz, yolculuk yapamaz, eğitim göremez, hatta oturacağı evini bile kendisi seçemez. Zorunlu örtünme işte bu mutlak hukuksuzluğun ve ezilmişliğin simgesidir. Her yıl binlerce kadın "Özel Örtünme Polisi" tarafından gözaltına alınıyor. Her yıl birkaç kadın, şerih sahibine (kocasına) vefasızlık suçundan taşlanıyor ve ya dar ağıcında sallandırılıyordur. Üniversitelerde kadın öğrencilerin hareketlerini kontrol etmek için özel güvenlik birimleri kurulmuştur.

32 yıl süresince bizim mücadelemiz sürdü. Sokaklarda, okullarda, fabrikalarda, atölyelerde, hapishanelerde, hatta işkence masalarında mücadelemizi sürdürdük. Evlerde ise gelenek zincirlerine ve erkek egemenliğine karşı savaştık. Her yer direnişimize şahit oldu bu 32 yılda. Ancak ne yazık ki dünya medyası sizlerin bizim bu direnişimizi görmenizi engelledi. Bir yıl devam eden 2009 ayaklamalarında da, mücadelenin başını çeken İran kadınlarıydı ama medya bunu bile dünyanın görmesine izin vermedi. İran hakkında çıkan haberlerde tek görünen şey, İran'ın nükleer programı ve olası nükleer bomba tehlikesidir. Bu, gerici bir politikanın nasıl medyayı sardığını gösteriyor. Bunun sonucunda da gerici Ahmedinejad veya ondan daha gerici Hameneyii , türk halkının çoğunluğunun kahramanı haline geliyor. Çünkü insanlar basit bir bakışla bunların "emperyalist karşıtı" olduğunu zannediyor. Hayır, bunlar kadın karşıtı, işçi karşıtı ve insanlık karşıtıdır. Bunların emperyalizme olan karşıtlığı da gerici bir karşıtlıktır.

Kökten dinci güçler, dünya emperyalizmine karşı bir alternatif olduklarını iddia ediyorlar. Halbuki, İran örneği onların emperyalizm sermayeyle ortak bir paydada buluştuklarını sergiledi. Onlar için özel mülkiyet kutsaldır, ataerki aile yapısı kutsaldır, sermaye sahipleri kutsaldır ve sömürgeci bir azınlığın, emekçi bir çoğunluğa

egemenliđi kutsaldır. Kökten dinciliđin ideal toplumu, kadının kayıtsız şartsız erkeđin egemenliđine boyun eđmisi üzerine kurulmuştur. Hem kökten dinciler ve hem emperyalistler gericiler. "iyi zalim", "kötü zalim" diye bir şey olamaz. Bu İran ve Afganistan kadınlarının yaşadıklarından alınması gereken bir dersdir. Egemen güçlerin görünüşleri aldatmamalıdır bizi. Gericileri, hangi şekile girmişlerse girsinler tanınmalıyız. Lenin'in dedeđi gibi, "Kitleler, her bayrađın ve her sözün ardında sınıfsal çıkarları görmezlerse, sonsuza kadar köle kalırlar."

İran İslam Cumhuriyeti, iranlı kadınların bugüne kadar gördüğü en gerici ve en zalim devlettir. anc ak Avrupa ve Amerika'daki emperyalizm iktidarların hepsi de erkek egemen sistemin bir parçasıdır. Amerikan emperyalizmi, "terörle mücadele" ve "kadınları özgürleştirmek" bahanesiyle Afganistan ve Irak'a saldırdı. Ancak tek yaptıđı, sivil halkı öldürmek, gerici gençleri, aşiret ağalarını güçlendirmek ve İslami şeriat biçimindeki ataerkilliđi korumak olmuştur. Örneđin Amerikan işgalinden önceki Irak'ta kadınlar daha eşit bir hukuka sahipti. Örtünme dertleri olmadan dışarı çıkabilir veya istedikleri yere gidibilirdilerdi. Ama şimdi evlerde hapsolmuşlar, dışarı çıktıklarında da baştan aşağı siyah çuvallar içinde saklanmalılar. Ortadođu'da, emperyalist Amerika veya onun kukla şeyhleri tarafından yönetilen Körfez ülkelerinin bir çoğunda kadınların araba kullanma hakları bile yoktur. CNN'de her gün büyüdü Dubai adaları sergileniyor. Ülkeden ziyede bir casino veya emlak komisyon bürosunu andıran Dubai, İran, Irak, Filipinler ve Afganistan'dan getirilen genç kızların satıldığın bir pazardır. Ancak bunu CNN vermiyor. Amerika'nın Irak'a saldırısı, Ortadođu'daki bu köle pazarını canlandırmıştır.

Kapitalizm, kadın vücudunun ticaretini de bir mal olarak onaylamaktadır. Marks, "Kapitalizm, fahişeliđi genelleştiriyor" demişti. Ve biz bunu bugün görebiliyoruz. İran ve Afganistan gibi ülkelerde kadınlar şeriat kurallarının dışında bir erkekle yattıkları için taşlanırken fuhuş en kolay yapılabilecek bir meslek olarak kadınların önünde duruyor.

Kadının dünyadaki genel durumunu, modern kölelik diye tanımlayabiliriz.

Tüm bunlar bir gerçeğin altına çiziyor; dünyaya hükmeden düzen artık kokmuştur. Kadınlara yönelik baskı tamamen ülkemiz ve dünyada egemen olan politik, ekonomik, toplumsal ve düşünsel yapıyla bağlantılıdır. Kadına zulüm, toplumların her bir hücresinde saptanmıştır.

Önemli ve belirleyici soru şudur; Neden tüm bunlara boyun eđmeliyiz?

Ve bu sorunun sadece tek cevabı var; Boyun eđmemeliyiz. Tüm gördüğümüz bu facialar bize mevcut düzeni dağıtmamız gerektiğini yüksek bir sesle bağıryordur. Bu düzeni yıkıp, insanların yarısının diğer yarısını sömürmediği başka bir düzen kurmalıyız. Politika, Ekonomi ve kültürü elinde tutan bir azınlığın, Çoğunluđu sömürgeci altına almadığı bir düzen kurmalıyız.

Ancak bunun kolay bir şekilde ve kendiliğinden olacağını düşünmek saflık olur. Hayır bu kendiliğinden olmayacak. Kadınlar ve tüm ezilenler, devrimci bilince ve devrimci örgütlülüđe sahip olmalıdırlar.

Biz devrimci kadınlar olarak, kendi mücadele deneyimlerimizin ışığında bu baskıyı yaratan ve körükleyen sınıfsal toplumların içeriğini iyi tanımışız. İslami, sekular veya batı demokrasisinin toplumsal hedef ve programlarını iyi tanımışız. Artık örgütlü bir mücadele yürütmemiz gerektiğini biliyoruz. Mücadelemiz için açık ve uzlaşmasız bir ufuk belirlememiz gerektiğini de biliyoruz. Aksi taktirde, mücadele gücümüz, başka sömürgeci kurumların yeniden yaratılması gibi sapma yollarda heder olacak ve düzenin ana yapısı olduğu gibi korunmuş kalacaktır. Tüm kadınların maruz kaldığı ortak zulüm, onları dünya çapında güçlü bir orduya dönüştürmüştür. Kaybedecek bir şeyi olmayan ama karşısında kazanabilecek bir dünyası olan bir orduya. Kadına yönelik sömürü uluslararası bir niteliđe sahiptir onun için bu yoldaki mücadelenin de internasyonalist özelliđe sahip olması gerekiyor.

Sınıfsal düzenlerin kaldırım taşlarını kadın köleliđi oluşturuyor (ister İslami , ister yarı İslami yarı batı ve ya batı demokrasisi şeklinde). Gelin birleşelim ve bu baskılara karşı durmaya birlikte karar verelim. Gelin devrimci kadın hareketlerini başlatalım. Herşeyin boll bol üretildiği ama zulüm, ayrımcılık, adaletsizlik ve kayboluşun hüküm sürdüğü bu çağda, gelin devrimin gürleyen sesi olalım. İzin verin zincirlerimizden kurtulup insanlığı kurtaracak güç olalım.

İran ve Türkiye İşçilerinin Dayanışma Komitesinin

iran.turkey.workers@gmail.com

Türkiye'de 8 Mart Kadınları Örgütü (İran-Afganistan)

zanan.mobarez@gmail.com

2011